

## پدیده «اثر شوfer» خطرناکتر از هردشمنی درکشور

برخی از صاحب نظران معتقدند که در شرایط کنونی، بیش از دشمن یا خشکسالی و یا دروغ، آنچه که کشورمان را تهدید می‌کند، «اثر شوfer» است! اما اثر شوfer چیست؟

به گزارش خبر روابط عمومی گروه پاس، ماکس پلانک بعد از این که جایزه نوبل را در سال ۱۹۱۸ می‌گیرد، یک تور دور آلمان می‌گذارد و در شهرهای مختلف درباره مکانیک کوانتوم سخنرانی می‌کند.

چون هر دفعه دقیقاً یک محتوا خاص را ارائه می‌کند راننده اش بر این باور بود که همه مطالب آن دانشمند را یاد گرفته است و روزی به آقای پلانک می‌گوید «شما از تکرار این حرف‌ها خسته نمی‌شوید؟»

من می‌توانم به جای شما این مطالب را برای دیگران توضیح دهم. اگر اجازه دهید من در شهر مونیخ بجای شما سخنرانی کنم و شما لباس من را بپوشید و در جلسه بنشینید! و برای هر دوی ما تنوعی ایجاد می‌شود!» پلانک هم قبول می‌کند!

شوfer خیلی خوب در جلسه درباره مکانیک کوانتوم صحبت می‌کند و شنونده‌ها هم خیلی لذت می‌برند.

در پایان جلسه فیزیک‌دانی بلند می‌شود و سوالی علمی را مطرح می‌کند. شوfer که جواب سوال را اصلاً نمی‌دانست، در نهایت خونسردی می‌گوید: «من تعجب می‌کنم که در شهری پیشرفته مثل مونیخ، سوال‌هایی به این اندازه ساده از من می‌پرسند! به این سوال شما حتی شوfer من هم می‌تواند پاسخ دهد!»

سپس ازیشت تربیون رو کرد به ماکس پلانک که در جمع حضار نشسته بود و گفت «جناب شوfer(آقای راننده) لطفاً شما به سوال ایشان پاسخ دهید!»

ماکس ازجا برخاست و پاسخ آن فیزیک دان را داد.

از آن پس در علم مدیریت این (توهم دانایی) را «اثر شوfer» می‌نامند. این توهم دانایی گاهی در بسیاری از امور (از جمله سیاست، اقتصاد، امنیت و مدیریت ودین و فرهنگ) برای برخی افراد سطحی نگر و اصطلاحاً همه چیز دان پیش می‌آید.

غافل ازاینکه علم و دانش در هر رشته ای مانند کوه یخی است که بخش کمی از آن قابل رویت است و بخش اعظم آن را نمی‌توان مشاهده کرد. افراد سطحی‌نگر صرفاً بخش قابل مشاهده دانش را می‌بینند و گمان می‌کنند که کل دانش را دریافت کرده‌اند، در حالی که این فقط «توهمی از دانایی» است نه خود دانایی!

توهم دانایی، یعنی اینکه تصور کنیم همه جوانب مطلبی را می‌دانیم، بنابراین قاطعانه درمورد آن اظهار نظر می‌کنیم، در صورتی که اشتباه می‌کنیم. یعنی یا نمی‌دانیم و یا اشتباه و ناقص می‌دانیم و علت اصلی توهم دانایی، تصور ناقص ما نسبت به تمام جوانب یک مطلب و سپس مقایسه‌ی دانش خودمان با همان تصور است.

حال اگر در جامعه ای، روال اینگونه شود که هرکسی بی محابا در هر امری مدعی دانستن شود. و مردم تفاوت بین فهم متخصص و مدعی تشخیص ندهند، یا به اصطلاح شوfer جای دانشمند اظهار نظر کند و دانشمند بخواهد ماشین راهدایت کند، یعنی شوfer در مسند دانشمندان و دانشمندان در جایگاه شوfer ادامه فعالیت دهندامور جامعه به قهقرا می‌رود.

این بیماری درمیان اقشار مختلف جامعه هم سراپت نموده و بقول معروف همه خود را در همه امور عقل کل می‌دانند. تاجایی که کلمه «نمی‌دانم» را تحقیر خود می‌شمارند.

سقراط می‌گفت «من داناترین فردم! چون تنها کسی هستم که می‌دانم که نمی‌دانم» در حالی که دیگران هنوز به نادانی خود نیز، آگاه نیستند.

این جهل سقراطی که بعدها "نیکلاس کوزایی" آن را «جهل فرهیخته» نامید، درست همان چیزی است که برای تفکر و پژوهش وجستجو گری نیازمند آنیم. زیرا نخستین گام در تلاش برای کسب دانایی، غلبه بر «توهم دانایی» است. افزایش میزان حداقل حقوق، کارفرمایان را تشویق کرد تا سرایدار، دربان یا نگهبان خود را اخراج کنند. به موازات آن، آن دسته از کارکنانی که شغل اصلی شان مراقبت و نظارت نیست، اگرآه داشتند تا کار نظارت، مراقبت و حفظ

نظم را انجام دهند نتیجه این تحولات، افزایش میزان بزهکاری بود

ما زمانی می‌توانیم به درک و فهم و دانایی خود امیدوار شویم که آنچه را نمی‌دانیم با شهامت وجسارت بگوییم: «نمی‌دانم!»

لطفاً کار را به کاردان بسپارید. جهت بهرمندی از خدمات سامانه جامع حفاظتی و مراقبتی پاس به آدرس [www.passgroup.ir](http://www.passgroup.ir) مراجعه فرمایید.